

کارگاه معرفت

از حیا مژه برهم بند و بکشا نگاه آنجا
در بحر کرم شسته یاب دفتر سیاه آنجا
تابه کی تخته بند بود و نابود ای رفیق
وز قناعت بشکن شکوه دوصد کلاه آنجا
بشنو! کارگاه معرفت عرضه گاه نیست از تضاد
از رموز "لا" و "الا" بشکن صد سپاه آنجا
ز جوش بحر رحمت محو است عاجزی راقصو
ز شور رنگ مغفرت نیست حرف سیاه آنجا
درد معانی از خم الست آوری بیرون
بذر بندگی غرس مزرع انتباه آنجا
هان! مشو غافل که گنه را پنهان می کنی
بُود پای دست و چشم وجودت گواه آنجا
به گلزار که باشی دختر رز را در کمین
شکست نام دارد یک دو لحظه اشتباه آنجا
قامت خم گشته از عجز میشکند بار گناه
چونکه داریم لطف محبوب را پشت و پناه آنجا
علاج زخم عصیان مرهم کافور باید م
شام تار را نور بخشد دعاء صبحگاه آنجا
فروغ تو تقلید کردی از شعر استاد سخن
سازو برگ خرمنت نیرزد یک گیاه آنجا
م.ش. فروغ

بیت ششم تلمیح است : آیه 65 سوره 36 تنزیل عزیز

بیت سوم " " " : کلمه طیبه مبارک